

سپید

نوشته‌های دکتر مهدی غروی در مجله سپید
 از دفتر نشر و توزیع بازرگانی نشر سپید

دکتر مهدی غروی
 مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و
 پاکستان

- ۴۱ -

بهیچوجه همتائی بر آن حماسه عظیم نبود، بلکه در میدان شاعری و هنر، ساقدوش ومکمل آن دیگری محسوب می‌گردید.^۱

- ۴۲ -

سر توماس ارنولد، در کتاب مهم خود نقاشی اسلامی هنگامی که درباره موضوعهای نقاشی اسلامی بحث می‌کند و به شاهنامه می‌رسد می‌نویسد:

«اکنون به شاهنامه فردوسی این اثر عظیم ایرانی در جهان اسلامی می‌رسیم که نسخه‌های مصور بسیار از آن در دست است. در اینجا مرجع و منشأ نقاشی بکلی جای دیگر است، شاهنامه تجسمی است از حماسه‌های ملی ایران و فردوسی برای خلق این شاهکار به عمق تاریخ و فرهنگ کشورش، ادوار پیش از حمله اعراب نفوذ کرده است. هنگامی که کار تصویرنگاری این مجموعه کشیده شده است، مسلماً هنرمندان ایرانی به همان اعماق تاریخ و فرهنگ ملی خویش نفوذ کرده‌اند و همان نمونه‌های هنری ملی خویش را بدست آورده‌اند. اگرچه شواهدی جز چند اشاره

بازیل‌گری در نخستین اثر خود که درباره هنر ایران نوشته است اظهار نظر می‌کند:

«ایرانیان در استحصال و ارائه مظاهر هنری در حد اعلای استعداد قرار دارند و این خصیصه دریشان تا حد نبوغ به اعتلا می‌گراید. این بلوغ هنری که بارها مورد دستیابی هنرمند ایرانی قرار گرفته و این تعادل مطلوب که همیشه و در همه جا وجود داشته است، از مشاهده و مقابله ساده آغاز گردیده و به ترکیب‌های استادانه و رنگ‌آمیزی‌های شاعرانه رسیده، بطوریکه چون پدیده‌ای ذاتی در نهاد این مردم ریشه‌دوانده و هیچیک از یورشهای خانمان برانداز یونانیان، اعراب، ترکان و مغولان، بدان لطمه‌ای جانکاه وارد نساخت. علت این امر اینست که ملت ایران برای حصول عظمت شاعرانه و اعتلای هنری از میراث‌های هخامنشی و پهلوی و ساسانی الهام می‌گرفت.

درین میدان، شهسواری که بطور جامع و کامل عظمت شاعری و اعتلای هنری ایرانیان را عرضه می‌دارد، شاهنامه فردوسی است، آنچه نظامی خلق کرد در مرحله بعد و پس از شاهنامه قرار دارد که

۱- این مطلب از فصل اول کتاب نقاشی ایرانی بازیل‌گری که در سال ۱۹۳۰ به چاپ رسیده اقتباس شده و این کتاب با کتاب بزرگ طبری که به فارسی نیز برگردانده شده است تفاوت دارد.

تصویر ۱ - تصویری از داخل يك كاسهٔ سوفالین لعابدار ازدوران غزنوی رنگ سبزبر روی زمینه سفید. ظاهراً شاهزاده‌ای وارد قصر می‌شود، شاید از شکار برمی‌گردد، جلودار نیزه‌دارش دو سنگ شکاری به‌مراه دارد، رؤبای وی بشکل زنی ماهرو با هالهٔ نور در بالای صحنه نقاشی شده، در داخل قصر دو زن هردوسوارکار و دو مرد مسن طراحی شده‌اند و از بالای قصر چهار زن نقابدار نگران وی هستند، شاید داستان شاهنامه‌ای باشد که نقاش مجسم کرده‌است، داستان اسفندیار یا سیاوش. در جلو صحنه برکه آبی است با چهار پنج ماهی و در دائره داخلی نوشته‌هایی با خط خام نسخ که کلمات عربی السلامه والحمامه والنعمة و کلمات فارسی، همیشه در دیده یزدان پسندیده، تو دینار، خوانده می‌شود در کتاب هنر دوران غزنوی به شماره‌های ۱۸۵ و ۱۸۶ داخل و خارج ظرف‌گراور شده و این خطوط را کوفی لایق‌ه می‌داند، و اسلوب‌کار را سلجوقی متأثر از کار مصر و بین‌النهرین معرفی می‌کند، از قرن ششم هجری و نقوش مشابه آن در کاشان و ری از قرن سوم هجری.



۱۲۳۹ م و چند اثر دیگر که بدانها اشاره کردیم، کاملاً سبک بین‌النهرین را ارائه می‌کنند. از عصر متأخر بین‌النهرین نیز برخی آثار برجای مانده است که البته تشخیص هویت این کارها دشوار می‌نماید، از آن‌جمله است شاهنامه چستریبتی و جامع التواریخ متعلق به انجمن آسیائی، که هر دو از نیمه اول قرن چهاردهم (هشتم هجری) مانده‌اند. درین کتابها هم آثاری از سبک نخستین بین‌النهرین، که بهترین نمونه آن

۲- ارنولد، سرتوماس، نقاشی اسلامی، از فصل پنجم کتاب که عنوان آن، انتخاب موضوع در نقاشی اسلامی است، ص ۱۸ چاپ جدید، یادداشت ص ۸۲ در باب منبع اصلی این اظهار نظر که کتاب خراسان هرتسفلد است.
۳- همان کتاب ص ۸۲.

شاهنامه‌ای تحقیق بیشتر صورت گیرد تعلق بیشتر این مجلس‌ها با تصاویر برجای مانده از آن عهد مشهودتر می‌گردد.^۴

-۴۳-

حمله مغول به دوران استیلای مغولان به ایران انجامید. دورانی که میتوان آنرا دورهٔ تحول و تکامل هنر اسلامی و خلق واقعی مینیاتور ایرانی دانست، این آثار کمی که از عصر نخستین مغولان برجای مانده‌است، می‌تواند وسیله و خوراک کافی برای کسانی باشد که بخواهند این تحول را بررسی کنند. از جملهٔ این آثار موجود، می‌توان چند تصویر برجای مانده از دیوسکوریدس مورخ ۶۱۹ هـ / ۱۲۲۲ م (سرب‌سازان را ما گروار کرده‌ایم) و تصویرهای کلیده و دمنه مورخ ۶۳۶ هـ

کوچک در دست نداریم که نقاشی ایرانی پیش از اسلام در باب صورت‌نگاری کتاب چه حالتی داشته است، اما این را می‌دانیم که از قرن چهارم به بعد، نقاشی در هنر ایرانی مقامی برجسته داشته است و آثاری که از کنده‌کاریهای روی سنگ و فلز یا نقش روی پارچه‌ها داریم همه دلیل برین مدعا است.^۴

و پس از بحث و ارائه شواهدی که ما همه را قبلاً معرفی کرده‌ایم می‌نویسد: «آنچه مسلم است اینست که در عهد ساسانیان تمایل و توجهی به تجسم برخی صحنه‌های شاهنامه‌ای وجود داشته است و ما آثار این نفوذ ساسانی را در برخی از مجلس‌های شاهنامه‌های نخستین می‌بینیم و اگر در باب اسلوب‌های گوناگون نقاشی

عوت ذلك وملك البلاد وفتوح منسما على المناسبات ناسفة اعينها لتقع نظرا لصيابة علمها فينت



نقوشه لبيانات زمانا طولاً حسان عالاه الفانسية سوسمار وهرمه ان كين

تصوير ۲ الف و ب - عجایب المخلوقات قزوینی کتابی است مهم و معروف که اصل آن به عربی است، نسخه ای قدیم ازین کتاب در آلمان هست که به خانم ماریا سارهومن تعاق دارد. دو تصویر ازین کتاب به شماره های VI A و VI B به چاپ رسیده است. این کتاب در قرن ۱۴ میلادی برابر با قرن هفتم هجری در ۴۵۶ صفحه با تصاویر بسیار، تهیه شده است با تصاویر حیوانات و گیاهان و نقوش اساطیری و نجومی که متأسفانه ناقص و بدون تاریخ است، کوهنل و شولتز و ارنلد به تفصیل آنرا معرفی کرده اند، تصویرهای این کتاب تحت تأثیر هنرهای سنتی ایران از یک اصالت خاص برخوردارند.
شماره ۲ الف: سوسمار که در عربی صنایع است، نقاش سری شبیه سر شیر به بیکره حیوان وصل کرده که از نقوش ایرانی الهام دارد.
شماره ۲ ب: گوزن وحشی خالدار که آنها با الهام از نقوش ظروف سفالین قرون اولیه اسلامی طراحی شده و قطعه شکسته ای از آن ظروف که همین نقش را در بر دارد، امروز در موزه کابل حفظ می شود، این نقش را ما نیز ارائه کرده ایم با همین حالت و شکل که در حال دویدن و به عقب نگریستن است و از عصر غزنوی است.

انرا تا اسبها جلوه ملایم و بدنه اش و سلسله و در حسان از به دستها از این
و کلاب هرگز هم دیده اند و از این حیوانه فرمت و علمای سرعت و افسوس



تا ما از این حیوانه آن حدیث ان ظهور صاحب الفالیق شده صفا شانه و کلاب هرگز هم دیده اند و از این حیوانه فرمت و علمای سرعت و افسوس

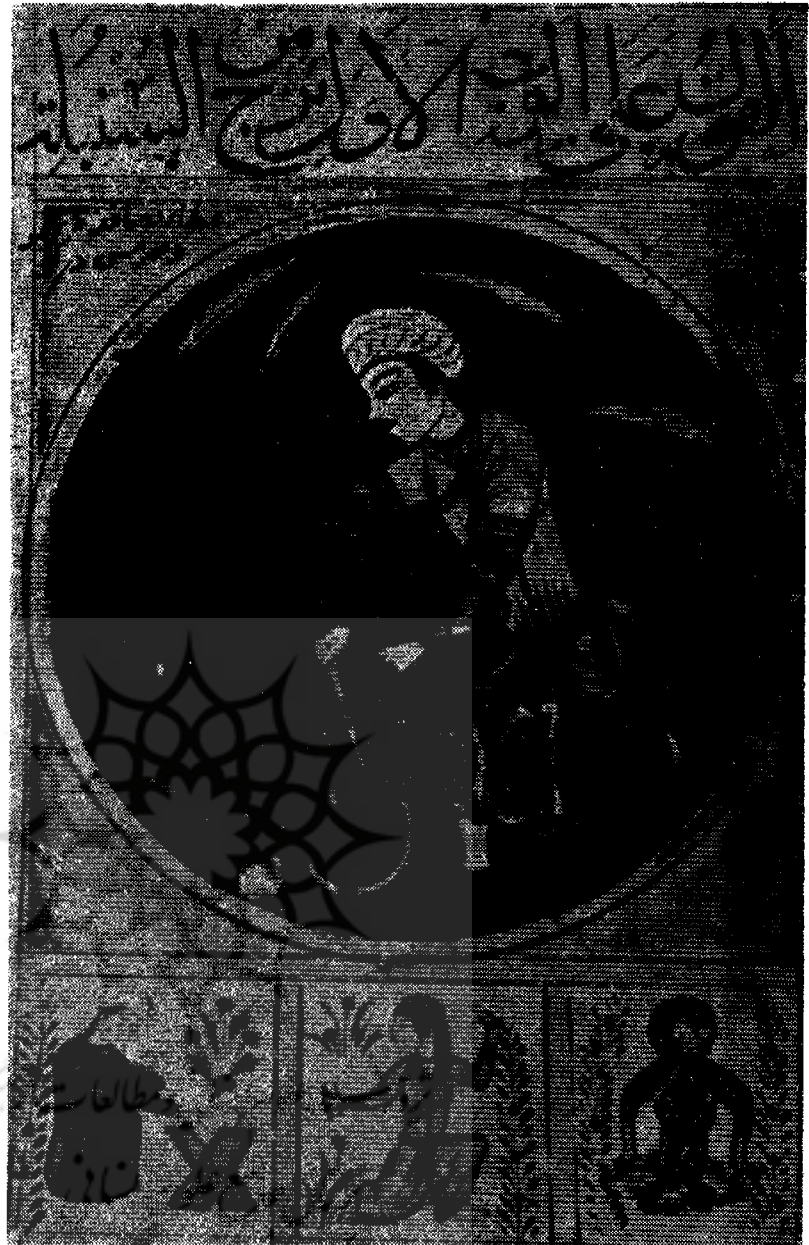
مقامات حریری است، دیده می‌شود و هم نشانه‌هایی از آثار مشرق زمین که با مغولها به ایران رسیده بود وجود دارد.

مغولان خرابی بسیار کردند، اما هنگامی که به خود آمدند و سرگرم ترمیم خرابیها شدند، دورانی را خلق کردند که پرثمر و درخشان بود، نوسازی هنری که درین عصر صورت گرفت تخلیط مطبوعی از پدیده‌های هنری به وجود آورد که نتیجه آن بین‌المللی شدن هنر نقاشی ایرانی - اسلامی بود.

پس این نظریه که با تسلط مغولان تمدن اسلامی ایران از میان رفت درست نیست. درین سرزمین، در عصر آل بویه و غزنویان نیز خرابی کتابخانه‌ها و ستمگری نسبت به دانشمندان و هنرمندان، بسیار سابقه داشته است. مغولان هنگام خرابی و ویران‌سازی، از دانشمندان و هنرمندان نگهداری می‌کردند و گروهی از ایشان را نیز به چین و مغولستان فرستادند و این از عوامل مهم ترقی و تعالی ایشان در سیاست فرهنگی بود. در نظر کسانی که تاریخ هنر ایران را بررسی می‌کنند، دوره فطرت و سکون از سال ۱۳۳۵ که پایان سلطنت ایلخانان است آغاز شد، اما جامعه هنری ایران از این فطرت نیز باحمله تیمور و ترک‌تازی این مهاجم جدید نجات یافت.^۴

در عصر ایلخانان نیز همانند عصر عباسیان و سلجوقیان اداره کشور در دست ایرانیان بود، زیرا خود فاتحان بکلی فاقد قدرت اداره بودند، درین عصر خاندان معروف جوینی ظهور کردند، اگر چه این بزرگان نیز برافتادند اما درجه علو اندیشه و عظمت روح فرهنگ پروری این بزرگان بر هیچکس پوشیده نیست.^۵

قدیم‌ترین کتاب مصوری که برای خانان مغول تهیه شد، کتاب منافع الحیوان فارسی است، در مقدمه کتاب تصریح شده است که کتاب به حضور غازان‌خان (۱۲۹۵-۱۳۰۴) تقدیم گردیده است، اگر چه غازان‌خان نخستین خاقان مغول نبود



تصویر ۳ - طرح و ترسیم تصاویر اساطیر فلکی و نقوش نجومی از نخستین کارهای هنری در تصویرسازی اسلامی بود تصویری که ملاحظه می‌کنید از یک نسخه قدیمی کتاب البلیحان گرفته شده که محتوی آرای ابومعشر بلخی منجم معروف ایران است. درین تصویر برج سنبله (شهربور) نموده شده است و سه تصویر کوچک پائین خورشید و زهره و عطارد را معرفی می‌کند. این کتاب در قرن هشتم، در موصل تهیه شده و بطوری که اشاره کردیم عالمان مسیحی ساکن شهر حران به کتابهای نجومی تصور علاقه بسیار داشتند و بسیاری ازین نوع کتابها را از سریانی به عربی برگرداندند و این خود وسیله‌ای بود که روش نقاشی بیزانس وارد جهان اسلام گردد و از راه موصل و بغداد به آذربایجان که مرکز انعقاد و تشکیل هنر نقاشی مینیاتوری ایران از دوران مغولان به بعد بود، وارد شود.

اما وی موضع مستحکمی برای اسلام در امپراتوری مغولی تعیین و تثبیت کرد. در تصویرهای این کتاب، تغییر محسوسی نسبت به کارهای بین‌النهرین نمی‌توان یافت زیرا همان هنرمندان بین‌النهرین بودند که در پایتخت‌خانان مغول این اثر را خلق کردند. اما اگر آنرا با نعت‌الحيوان عربی^۷ متعلق به کتابخانه بدالیان مقایسه کنیم، در ارائه ترسیمات آن مجلسهای هر دو کتاب حامل نفوذ نقاشی هلنیستی است که به سوی طبیعت‌گرایی و تحرك اسلامی گرایش دارد.^۸

— ۴۴ —

تا پیش از کشف و معرفی شاهنامه کاما، تصور شاهنامه‌شناسان و صاحب‌نظران از مینیاتور ایرانی برین مبنا استوار بود که تصاویر پراکنده شاهنامه دموت‌باشاهنامه کامل توپ قاپوسرای، قدیم‌ترین مجالس شاهنامه‌ای موجود در جهان می‌باشند، اما اکنون با ارائه مجالس شاهنامه ناقص ولی پرارزش کاما، که تعدادشان به ۵۴ میرسد، این تصور باطل شده است و ما می‌توانیم به جرات ادعا کنیم که این ۴۵ مجلس، قدیم‌ترین مجلسهای شاهنامه موجود می‌باشند. اکنون نظر بازیل گری راهنگام ارائه مجلسهای آن شاهنامه‌های کهن که در نمایشگاه ۱۹۳۰ لندن عرضه شد بررسی می‌کنیم:

قدیم‌ترین تصویر شاهنامه‌ای درین نمایشگاه متعلق به مجموعه چستریتی^۹، Chester Beatty از نقطه نظر وفور گل و گیاه در همه جای تصویر، هیئت و قواره تخت سلطنت و معماری ساختمانها، نفوذ سبک بین‌النهرین کاملاً محسوس است، و درباب رنگ‌آمیزی با تصویرهایی که در کتابخانه دولتی وینه محفوظ است و مشابه آن در کتابخانه سرای ترکیه نگهداری می‌شود^{۱۰} قابل مقایسه است. بهر صورت زمینه همه این نمونه‌ها قرمز است و سلاحها، سلاحهای متعلق به آسیای مرکزی است، با اقتباساتی از چین که ازین لحاظ قابل

قیاس است با تاریخ طبری مصوری که به گئورگیان تعلق دارد.^{۱۱}

از نقطه نظر زمان طرح و نقش مجلسهای شاهنامه بیتی از اواخر قرن ششم هجری است و مجلسهای آنرا با تصاویر جامع‌التواریخ انجمن آسیائی سلطنتی و شاهنامه‌های دموت و استامبول، که همه در نیمه اول قرن هفتم کتابت و

۴- گری، بینیون، ویلیکینسن، هنرمینیاتور ایرانی. چاپ جدید ص ۳۰.
۵- ادوارد براون، تاریخ ادبی ایران جلد سوم صفحه‌های ۲۰ تا ۳۱ متن انگلیسی.

۶- نوشته ابن‌بختیشوع متعلق به پیر-مورگان مجموعه‌دار معروف. برای ملاحظه تصاویر آن نگاه کنید به مارتین تصویرهای ۶ تا ۲۱، Klud Anet مجله برلینگتن مجلد ۲۳ صفحه‌های ۲۲۴ تا ۲۳۱ و صفحه ۲۶۱ و ص ۳۰ کتاب گری، ویلیکینسن، بینیون و تصویر شماره ۱۸ الف همین کتاب که عین آنرا در بخش پیشین این مقاله نیز نقل کرده‌ایم.

۷- مارتین در کتاب خود تصویرهای شماره ۱۷ تا ۲۰ این کتاب را گراور کرده است.

۸- گری برای اثبات این نظر خود که اثرات هلنیستی درین کارهای هنری هست، می‌نویسد: باید این تصویرها را با موزائیک‌های کلیساهای سن کسماس و دامیان در جرش که متعلق به قرن ششم میلادی است، مقایسه کرد (زیرنویس شماره ۴ ص ۳۰ همان کتاب) سپس به نسخه‌های دیگر ازین کتاب اشاره دارد که نقاش در طرح و ارائه تصویر حیوانها، آزادی بیشتر داشته است و وی این آزادی در ارائه طبیعت‌گرایی را نتیجه نفوذ نقاشی چینی می‌داند. و می‌نویسد که تپه ماهورهای که در آن بزکوهی و حیوانهایی ازین قبیل زندگی می‌کنند، متعلق به چین باید باشد (نگاه کنید به دو تصویر این کتاب که مارتین تحت شماره‌های ۲۴ و ۲۵ ارائه کرده است)، گری پس ازین مقدمات، اظهار می‌دارد که در شاهنامه‌های نخستین نیز این اثر شرقی است اما در نظر کرسول Creswell

در کتاب: معماری و هنر اولیه اسلامی Early Muslim Architecture vol. I, P. 349.

ریشه این تحول، که در مجالس شاهنامه‌های نخستین پیدا شد، منشأ مغربی دارد نه شرقی. یادآوری می‌کنیم که در تصاویر شاهنامه کاما،

مصور شده‌اند، می‌توان مقایسه کرد. صرف‌نظر از خصوصیاتی که نتیجه نفوذ هنر آسیای مرکزی است، درین تصویرهای شاهنامه بیتی و نسخه گال وینه و طبری گئورگیان یک نوع خشونت و خامی وجود دارد که آن را بر نسخه‌های مصور دیگر قرن ۱۴ (هفتم هجری) مقدم می‌دارد، حداکثر عمری که به این گروه

که عجالة قدیم‌ترین مجلسهای شاهنامه محسوب می‌گردد، اثر هلنیستی یا نقاشی بیزانسی (روم شرقی) دیده نمی‌شود و علت اثرگذاری نقاشی بین‌النهرین در تصاویر شاهنامه‌های عصر ایلیخانان این بوده است که مراغه و تبریز، پس از برافتادن عباسیان، جانشین بغداد گردید، درحالیکه شاهنامه کاما و سمک‌عیار بدالیان، بدون شك در ایران مرکزی یا خراسان تهیه شده‌اند و تصویرهای این دو کتاب با تصویر نقش داخل یک ظرف سفالی که از دوران غزنوی است و همراه باین مقاله ارائه گردیده قابل قیاس و مشابه است.

۹- این شاهنامه در اوایل قرن هفتم (چهاردهم میلادی) تهیه شده است و اکنون ۸۰ مجلس آن به کتابخانه چستریتی در دوبلن تعلق دارد که ۱۸ عدد آنرا به نمایشگاه فرستاده بود و بقیه مجلسها در تملک آجیت گوز Agit Ghose در بمبئی است. بلوشه در مجله اوپن شماره ۴۱ ژانویه ۱۹۳۰ این آثار را معرفی کرده است و گری سه مجلس آنرا در کتاب خود آورده که ما نیز هر سه مجلس را گراور کرده‌ایم.

۱۰- برای توضیح بیشتر درباره این مقایسه نگاه کنید به ص ۳۲ کتاب گری و توضیحات بلوشه که در زیرنویس ۲ همان صفحه بدان اشاره شده است، از جمله اینکه درین مجلس اسلحه‌های بکاررفته است، که در زمان ساسانیان معمول بوده و در سنگ نگاشته خسرو دوم در طاق‌یستان نیز دیده می‌شود، دکتر زاره جمله‌ای را از کتاب آمیانوس مارسلینوس نقل کرده که برطبق آن در قرن چهارم ایرانیان این سلاح را داشته‌اند. برای مشاهده سنگ نگاشته نگاه کنید به:

Felsreliefs' Tep. XXXVII' S. 203 Sarre und Hertjfeld, Iranische

۱۱- نگاه کنید به زیرنویس شماره ۳ کتاب گری و تصاویر این نسخه در شولتز شماره ۱ و مارتو - وور Marteau - Vever تصاویرهای ۴۷ و ۴۸.

مشربکاران ارکان | جو را کل مرغ زرغران | بوردیم جان و امان کوه | مران کسلسل را بدین | که نماند می داد خشم | اکران کرم را از کرم دردم



شهر کرم بران | که ایغراسی به سار بیلر | برشیدیم کلیر ایشیت | که ادرنغ و دغ و ایشیت | هنر طایفه ای که دایم | کرم ها کرمی

تراشمی در جگر گاه موی | نه ارفر نو کشته شد هر | همه سگور همان زمان | همه می پیش به جواه ص | که کشت روزگار | نو که می که دانش کس | روز و از آن روز با شی شبان | نه دارای و ارب و کردان | از آن روزی و دل لغتار و | به ایستادند | بر روی و ایشیت | بر روی من و دم از ده



مردی در جوانی کن | جان آن که برین شاه | و ستاده سانی انوشین | نو این باش و ایشیت | نه در حرم با همه او | جو فی کلا سار او | جو شاه کای نو او | عشا او در | خا او در



می‌توان داد حدود هفت قرن است، شاید تاریخ کتابت و مصور ساختن سمک‌عبار و دو شاهنامه کهن دیگر نیز که در نمایشگاه برلینگتون عرضه شدند، همین زمان باشد، در تصاویر هر سه شاهنامه آثاری ناچیز و نامحسوس از نفوذ چین می‌توان دید^{۱۲}. در شاهنامه چستریبتی عوامل بومی و ایرانی بسیار است، شاید بیش از همه شاهنامه‌های کهن دیگر، بنابراین انسان در نظر اول به این تصور گرایش می‌یابد که تاریخ تهیه آن باید بعد از شاهنامه اسلامبول (۷۳۱ هـ ۱۳۳۰ م) باشد، مقصود اینست که هنگام تهیه این یکی،

تصویر ۵ - زاده شدن رسم ، از يك شاهنامه قدیمی متعلق به مجموعه خانم استفنس احتمالاً از اول قرن ۱۴ میلادی ، اول قرن هشتم هجری این کتاب با ۱۰۶ مجلس هشت عنوان و دوسر لوح از بر تصویرترین شاهنامه‌های کهن است . اگر شخصیت‌های این مجلس را با شخصیت‌های تصویر شماره ۴ از شاهنامه چستریبتی مقایسه کنیم ملاحظه خواهیم کرد که درین یکی اثر نقاشی چینی نیست یا بسیار نامحسوس است چهره‌ها کاملاً با چهره‌های مجلس‌های شاهنامه گاما قابل قیاس است . از خصوصیات مجلس‌های این شاهنامه یکی هم اینست که در زمینه هیچ چیز تزئینی وجود ندارد .

تصویر ۴ الف و ب (صفحه روبرو) - دو مجلس از شاهنامه چستریبتی که متعلق است به اول قرن چهاردهم میلادی ، قرن هشتم هجری ، به عقیده بازیل‌گری تصاویر این مجموعه قدیم‌ترین مجلس‌های شاهنامه‌ای است که امروز در دست ماست ولی با مختصر دقت و مقایسه با مجالس شاهنامه گاما متوجه خواهیم شد که تصاویر شاهنامه گاما ازین نقشها قدیمی‌ترند.

بیشتر مجلسهای این شاهنامه امروز به کتابخانه چستریبتی تعلق دارد و تعدادی از آن نیز در مجموعه آجیت‌گوز بمبی است .

شماره ۴ الف : صحنه گرفتن رستم را با آثاری مختصر و نامحسوس در قیافه رستم از نقاشی چینی .

شماره ۴ ب : اسکندر در حضور قیدافه ملکه بردعه ، وجود گلهای درگلدانها و مرغان از خصوصیات کم‌نظیر این مجلس است . دو عقاب که در دوسوی تخت سلطنت نشسته‌اند ، بعدها علامت سلطنتی مغولان شد . عقاب در اعصار باستان مرغ مقدس و قابل توجه ایرانیان بود . کلاه یا تاج ملکه بی‌نظیر است و کاملاً تازگی دارد .

۱۲- ازین دو شاهنامه که هر دو متعلق به استانبول می‌باشند جمعاً شش مجله (یک و پنج) در کتاب‌گری آورده شده است شماره‌های ۲۲ و ۲۳ که ما نیز برخی از آنها را گراور کرده‌ایم.



تصویر ۶ - تصویر دیگری از نسخه خطی سمک عیار کتابخانه بدالیان و منظره عزاداری زنان و مردان را درغم مرگ فرخ روز نشان می‌دهد. چتری که در صحنه دیده می‌شود کاملاً مشرقی است و در مجلس‌های بین‌النهرین دیده نمی‌شود. عزاداری با هر برهنه در آن اعصار پیش از مغول معمول بوده و تصویری از شاهنامه دموت در دست داریم که مردم در عزای اسکندر سر برهنه شده‌اند. در مجلس‌های بعد کمتر به اینگونه صحنه‌ها که مرد و زن باهم نشسته باشند برمی‌خوریم. دوتنفر از زنها طبل می‌زنند و این معلوم می‌دارد که مراسم عزای با موسیقی همراه بوده است.

عوامل خارجی از مشرقی و مغربی، ضعیفتر از هنگامی بوده است که نسخه اسلامبول تهیه شده، یعنی چند دهه بعد. از نقطه نظر قطع و اندازه نیز، که از عوامل مهم تشخیص هویت شاهنامه‌ها و سرگذشت آنهاست، این نسخه باشاهنامه کامل، ولی کوچک و ظریف قاهره^{۱۳} و دیوان خواجه متعلق به موزه بریتانیا که آنهم از قرن چهاردهم میلادی برجای مانده، قابل قیاس است.

حال اگر رنگ آمیزی این تصویرها، بخصوص بکار بردن غیر عادی رنگ آبی آنرا مورد مطالعه قرار دهیم حدس مادر باب تاریخ اجرای آن، به عقب کشانده می‌شود، به حدی که قابل قبول نیست. شاید این اختلافاتی که ما برشمردیم و دست کم برخی جنبه‌های آن، از نقطه نظر مقایسه مجالس نخستین شاهنامه، بیش از حد واقعی باشد و ما بنا بر ضوابط و معیارهای ناقصی که برای ارزیابی این آثار هنری بدست گرفته‌ایم، دچار سهو و اشتباه شده باشیم.

در نسخه اسلامبول مردان ریش‌سیاه به وفور دیده می‌شوند، در کتاب بیستی مردان را با قیافه‌های نیمه مغولی مشاهده می‌کنیم، آیا این مطلب دلیل بر آن است که کتاب بیستی بعد از نسخه اسلامبول تهیه شده و یا اینکه تهیه‌کننده کتاب در شیراز، علاقمندی داشته است که این نفوذ چینی و مغولی را در این اثر به وفور ارائه کند، همانگونه که در شاهنامه سلطنتی دموت عرضه شده بود؟ نمی‌دانیم. از سوی دیگر در شاهنامه اسلامبول، کار با خشونت و خامی صورت گرفته و اجرا کنندگان برای حفظ سنت‌های کلاسیک هنری، محافظه-کارانه قدم برداشته‌اند.

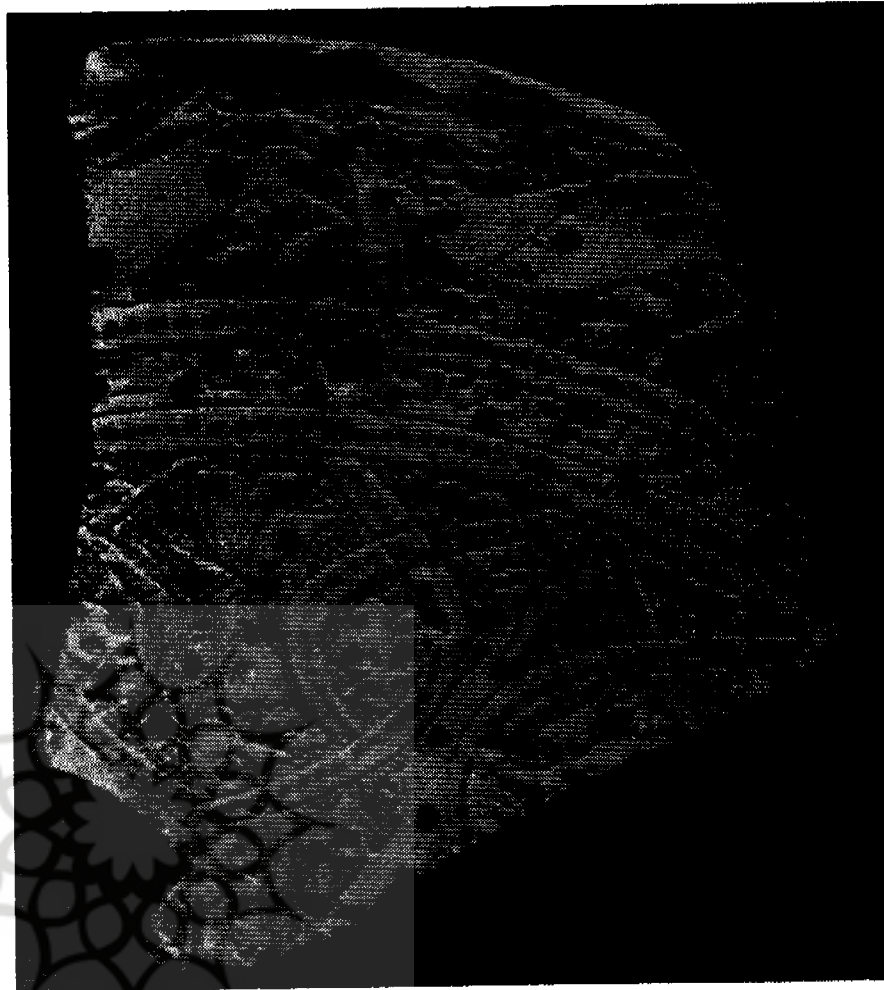
یکی ازین سنت‌گرایهای ملی سرخ بودن زمینه است، که سابقه‌ای طولانی دارد و می‌رسد به نقاشیهای دیواری عهد ساسانی، حتی نحوه ارائه و اجرای ابرها، پرده‌ها و گل و گیاهها نیز ساسانی است. به عقیده بازیل‌گری این آثار را در درجه

اول در نقاشیهای کتاب سمک عیار می توان دید و ما با بررسی مجلسهای شاهنامه گاما، بیشترین نفوذ هنر نقاشی سنتی، و ماندگاری آن نفوذ را که با خامی آغازی نقاشی مینیاتوری کتابی، از روی نقاشیهای دیواری توأم است، مشاهده می کنیم. به عقیده گری که ما نیز با آن موافقیم این طبیعی ترین و قدیمی ترین شبیه سازی و اقتباس هنری است، از روی آن نقاشیها یا مجلسهای مفقود، که نقاش آنها را دیده و خواهی نخواهی از آن تقلید کرده است. اما از سوی دیگر بقدری مشابهت و هم آهنگی میان تصاویر این کارهای نخستین و شاهنامه های کهن وجود دارد که نمیتوان مجالس سمک عیار را تردیدکنترین کار به آن هنر اصیل سنتی دانست. بهر صورت در نظر آن هنرشناس نامدار، این دو کتاب شاهنامه اسلامبول و سمک عیار، قدیم ترین و اساسی ترین نقاشیهای ایرانی را با اصالت ساسانی معرفی می کنند، البته اگر در آن موقع بازیدگری مجلسهای شاهنامه گاما را دیده بود، درین رای تجدید نظر می کرد. در زمستان سال ۲۵۳۴ هنگامی که گری از راه ایران به مشرق زمین می رفت، در دفتر کار مرحوم استاد مینوی، با آن هنرمند نامدار ملاقات کردم و وی پس از ملاحظه عکسهای سیاه سفید نسخه گاما به قدمت و اصالت آن کتاب صحنه گذاری کرد.

«۴۴»

مهمترین خصیصه ای که تصاویر شاهنامه های این گروه را از مجالس شاهنامه های متاخر ممتاز و مشخص می سازد، همین زمینه سرخ است و پس از آن شکل خاص ابرها و گل و گیاههای زمینه. در مجلسهای رزمی زمینه سرخ، این ابرهای سفیدرنگ هم ابرو باد را مجسم

۱۳- این شاهنامه کامل و تاریخ کتابتش ۷۹۶ هـ ۱۳۹۳ م است و جمعاً چهار مجلس آن در کتاب گری آورده شده است، این نسخه به کتابخانه ملی قاهره تعلق دارد.



تصویر ۷ - قطعه ای از یک قاب سوفالین، کار خراسان در عصر غزنوی که در آن هیچ اثری از اسلام نیست. غزالیها نگران از شکارگران می گریزند، طرح بخشی مرکزی نیز هندسی و بی معنای و در دایره داخلی دور آن تقلید ناقصی از خطوط کوفی هست با زمینه زرد کم رنگ و نقوش سبز. موزه کابل به شماره ۵۸۲۱۹۹.

رتال جامع علوم انسانی

می‌سازند و هم نمایشی از گرد و غبار را ارائه می‌کنند. در برخی از این مجالسها ملاحظه می‌کنیم که نقاش آسمان را سفید یا طلائی کرده و ابرهای روی آسمان را به رنگ سرخ می‌کشد. رنگ‌های مهم دیگر که درین تصاویر نخستین بکار رفته عبارتند از بنفش، آبی سیر یا روشن و سبز که البته نقاش با این رنگهای معدود نمی‌توانست آنچه را که لازم بود، درباب چهره آدم‌ها و ریزه کاری گلهای، ترسیم کند. گاهی یک بوته گل غرق در شکوفه و گل در جلو صحنه، جائیکه شخصیت‌های موجود در مجلس ارائه شده‌اند، به چشم می‌خورد^{۱۴}، و گاهی درختان به شکل اشجار سایه‌دار یا میوه‌دار ترسیم می‌شود، با برگهای طلائی یا زیتونی و گلهای سرخ و میوه‌هایی طلائی. بنوعیده بازیل-گری، نقاشان شاهنامه‌های نخستین، برای کشیدن این نوع درخت سرمشتی جز کتابهای محور پزشکی و دارو گیاهی مغربی نداشته‌اند (دیوسکوریدوس مورخ ۶۱۹ هـ ۱۲۲۲ م که تصویرهایی از آن را پیش از این ارائه کرده‌ایم و تاریخ تهیه آن از همه شاهنامه‌های موجود قدیم‌تر است و می‌تواند نمونه یا سرمشق خوبی برای نقاشان شاهنامه‌های نخستین باشد) با این تفاوت که کسار در شاهنامه‌ها ظریف‌تر و طبیعی‌تر شده است^{۱۵}، درحالی‌که با ملاحظه آن تصاویر کتابهای داروئی، به‌سادگی می‌توان این نکته را دریافت که مدل و منشأ اصلی این نقاشیهای طرحهای زمخت و هندسی موزائیک‌های عصر بنی‌امیه در شهرهای شام بوده است^{۱۶}.

حال اگر کتاب کلبه و دمنه مورخ ۶۳۶ هـ ۱۲۳۶ م را از نقطه نظر تصاویرش مورد بررسی قرار دهیم متوجه خواهیم

شد که در زمینه تصویرهای آن، گل و گیاههای مختلف از جمله گل لوتوس وجود دارد که بدون تردید از سوی مشرق، آسیای مرکزی، به ایران مرکزی و بین‌النهرین رسیده است، یا در عصر سلجوقیان، توسط اویغورها و یا در دوران هجوم و استیلای مغولان.

در همه این مجلسهایی که زمینه سرخ دارند، عوامل هنری چینی که توسط مغولان به ایران آورده شده، بسیار محدود و نامشخص است، در تصاویر کتاب منافع الحيوان مورگان^{۱۷} که ازین نقطه نظر با این کتابها مشابه است برگ و گل این بوته‌ها بوضع عجیبی طبیعی است.

۱۴- نگاه کنید به تصویری از سمل‌عبار که تحت شماره XII.A در کتاب گری تکرار شده و صحنه چوب‌خوردن وزیر در حضور شاه را نشان می‌دهد و ما نیز در گذشته آنرا ارائه کرده‌ایم.

۱۵- در موزه بریتانیا یک صحنه مینا کاری بر روی شیشه است که در آن درختی را با رنگهای زیبا ملاحظه می‌کنیم این نقاشی که احتمالاً در قرن ششم کشیده شده، در سوریه تهیه گردیده بوده است.

۱۶- خسرو انوشیروان در سال ۵۲۲ م. مقداری از صحنه‌های موزائیک دیواری را از انطاکیه به بین‌النهرین منتقل ساخت مسعودی که در قرن دهم میلادی میزیست، این آثار هنری را دیده بوده است، این مطلب را بلوشه در ص ۹۴ کتاب خودش آورده است نگاه کنید به زیرنویس شماره ۱ ص ۳۳ کتاب گری، نقاشی ایران.

۱۷- این کتاب در قرن ششم نوشته و محور شده و یک تصویر از آن را گری آورده است که ما نیز آنرا در صفحات گذشته این کتاب نقل کرده‌ایم. نگاه کنید به ص ۴۲ و تصویر شماره IXB همین کتاب.